

موقعیت‌های برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی

Situations Activating Trust and Mistrust towards the Spouse among Iranian Married Couples

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.2.229>

N. Talaeenejad, Ph.D. Student.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran

M. A. Mazaheri, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran

M. Cheraghi, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran

M. Heydari, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran

✉ نعیمه طلایی نژاد

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مونا چراغی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۹

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۰/۴/۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۳۰

Abstract

Trust affects success and stability of a marriage. The aim of this research is to study situations activating trust and mistrust towards the spouse among Iranian married couples.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Shahid Beheshti, Tehran Iran.
Email: talaienejad.n@gmail.com

چکیده

اعتماد به عنوان یکی از عوامل ازدواج موفق و ثبات و پایداری در ازدواج محسوب می‌شود. هدف این مطالعه شناسایی موقعیت‌های برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، گروه روان‌شناس بالینی

پست الکترونیکی: talaienejad.n@gmail.com

The data was gathered using a researcher-made questionnaire which included open-ended questions. Thematic analysis was used for analyzing the data. 163 married people were chosen using the availability sampling and the questionnaires were filled online. The data were analyzed using Brown and Clark method. Finally, three main themes, ten themes and fifteen sub-themes were extracted. Each theme is described by a spectrum with two ends indicating trust and mistrust. The main themes are: individual traits of the spouse, relationship traits of the couple, and the relationship of the spouse with the outside world. The results of this study offered a comprehensive picture of the factors stabilizing and destroying trust among couples. These findings can be used in preventative interventions for premarital educations and promoting the quality of the couples' relationships.

Keywords: Trust, Mistrust, couple's relationships

داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته حاوی پرسش‌های بازپاسخ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل درون‌مایه‌ای استفاده شد. ۱۶۳ فرد متأهل با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه را به صورت آنلاین تکمیل نمودند. داده‌ها به روش براون و کلارک تحلیل شدند. در نهایت سه درون‌مایه سایبانی، ۱۰ درون‌مایه و ۱۵ درون‌مایه فرعی استخراج شد. هر کدام از درون‌مایه‌ها به صورت طیفی می‌باشند که یک سر آن نمایانگر اعتماد و سر دیگر آن نمایانگر بی‌اعتمادی هستند. درون‌مایه‌های سایبانی عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی همسر، ویژگی‌های رابطه همسران و رابطه همسر با دنیای بیرون. نتایج این مطالعه تصویر جامعی از عوامل تحکیم‌کننده و تخریب‌کننده اعتماد بین همسران ارائه داد که می‌تواند در طراحی مداخلات پیشگیرانه برای آموزش‌های پیش از ازدواج و همچنین ارتقای کیفیت رابطه همسران مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: اعتماد، بی‌اعتمادی، روابط همسران.

مقدمه

دید ما به دنیا و آینده آن از طریق روابطمان تعیین می‌شود. این نگرش‌ها مربوط به آنچه طرف مقابل می‌گوید نیست و بیشتر به شیوه تعامل و الگوهای توجه متقابل بستگی دارد. از این رو، تمام روابط بین‌فردی مسئولیتی اجتناب‌ناپذیر برای افراد به همراه دارند (راکلیف، رادل و اسمیت^۱، ۲۰۱۴). اعتماد یکی از مطلوب‌ترین ویژگی‌ها در هر رابطه نزدیک است و غالباً همراه با عشق و تعهد به‌عنوان سنگ بنایی از یک رابطه ایده‌آل و باثبات محسوب می‌شود اما تاکنون توجه کمتری را از جانب پژوهشگران به خود اختصاص داده است (کمپل و استنتون^۲، ۲۰۱۹). در روابط عاطفی نزدیک، اعتماد رضایت از رابطه را پیش‌بینی می‌کند و از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده رابطه است (کمپل، سیمپسون، بردلی و روبین^۳، ۲۰۱۰).

انحلال و جدایی در روابط عاطفی، فشار روانی شدید و طولانی‌مدت برای افراد ایجاد می‌کند و به همین خاطر اجتناب از آن برای افراد اهمیت دارد (کوهن و تاد^۴، ۲۰۱۷). بسیاری از افراد وارد روابطی می‌شوند که آن روابط به مدت طولانی دوام نمی‌آورند و این نشان‌دهنده این موضوع است که افراد به‌خوبی نمی‌توانند انتهای روابطی که وارد آن‌ها می‌شوند را پیش‌بینی کنند. شناسایی عوامل و نشانه‌هایی که باعث افزایش

احتمال قطع یک رابطه عاطفی یا به‌عکس باعث تداوم آن می‌شوند از اهمیت بسیار برخوردارند. فراتحلیل‌ها نشان داده‌اند که معیارهای کیفیت رابطه بیشتر از ویژگی‌های فردی یا عوامل خارجی، بر انحلال رابطه تأثیر می‌گذارد (لی^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). مهم‌ترین جنبه‌های مورد بررسی کیفیت رابطه شامل رضایت از رابطه، شدت عشق و میزان اعتماد است. کوهن و تاد (۲۰۱۷) در مطالعه خود نشان دادند که تمام این سه مؤلفه در طول زمان در روابط سالم افزایش می‌یابند و سطوح بالاتر آن‌ها خطر جدایی را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر اثرات یک ازدواج موفق و تأثیر آن بر سلامت جسمانی و روانی افراد بر کسی پوشیده نیست. شواهد بسیاری وجود دارد که روابط زناشویی سالم و پایدار از افراد در مقابل بیماری‌های جسمی و هیجانی حمایت می‌کند و توان مقاومت آن‌ها را افزایش می‌دهد. آسوده، خلیلی، دانشپور و لواسانی (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که زوج‌های موفق به یکدیگر اعتماد کرده و با هم مشورت می‌کنند، نسبت به هم صادق هستند، به خدا اعتقاد دارند، تصمیمات را با هم می‌گیرند، به هم متعهد هستند و روابط دوستانه‌ای با هم دارند. در این پژوهش زوج‌هایی که چه به شیوه سنتی ازدواج کرده بودند چه غیر سنتی و از ازدواج خود راضی بودند، اعتماد را هم به‌عنوان یکی از عوامل ازدواج موفق و هم به‌عنوان یکی از عوامل ثبات و پایداری در ازدواجشان بیان کرده بودند (آسوده و همکاران، ۲۰۱۰؛ هریس، بدر، موئن و الوارزپرز، ۲۰۱۶).

از دگر سو بی‌اعتمادی موجب برانگیختن دو احساس اضطراب و ناامنی در افراد شده و باعث می‌شود افراد به‌طور مداوم برای فهم و بازبینی رفتارها و انگیزه‌های احتمالی دیگران انرژی صرف کنند (وبر، وبر و کارتر^۷، ۲۰۰۳). کاهش اعتماد در روابط نزدیک و خصوصاً در خانواده، علاوه بر اینکه تداوم رابطه همسران را دچار تزلزل می‌کند، صمیمیت را کاهش می‌دهد، زمینه را برای خیانت و روابط فرازناشویی در افراد مهیا می‌کند (میلر و رمپل^۸، ۲۰۰۴)، نگرانی و تنش روحی ایجاد می‌کند، احساس امنیت نسبت به همسر را خدشه‌دار می‌کند، و پیامدهای مخرب‌تری نیز برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه دارد.

اعتماد پدیده‌ای است که افراد آن را در طول زمان و از طریق مراحل فشرده و روشن به دست می‌آورند، گویی که آن‌ها از یک پلکان از قبل تعیین شده تا انتها بالا می‌روند، چنین اتفاقی معمولاً در رابطه ازدواج می‌افتد (رمپل، هولمز و زانا^۹، ۱۹۸۵). بر اساس گفته این مؤلفان، پله اول به دست آوردن «قابل پیش‌بینی بودن»^{۱۰} است، یعنی قضاوت در مورد اینکه رفتار همسر به اندازه کافی باثبات و به شکلی یکنواخت است و به همین خاطر قابل اعتماد به نظر می‌رسد. این قضاوت بر پایه تجارب رفتاری قبلی فرد در رابطه است. این پله توسط پله بعدی «قابل اتکا بودن»^{۱۱} دنبال می‌شود: قضاوت در مورد اینکه همسر قابل اطمینان و صادق است. به عبارت دیگر قابل اتکا بودن به این معناست که فرد قادر باشد برای دریافت آرامش و حمایت در زمان‌های سختی و دشواری روی همسرش حساب کند. در نهایت همسران به «عقیده و باور»^{۱۲} می‌رسند، یعنی توانایی اینکه بر اساس شواهد موجود به هم اعتماد کنند. به عبارت دیگر فرد مطمئن باشد همسرش با وجود یک آینده نامشخص، همیشه حاضر و حمایتگر خواهد بود. باور بر این است که تحول اعتماد در رابطه شامل یک فرآیند است که فرد در طی آن به مرور زمان از عدم اطمینان درباره رفتارهای طرف مقابل به سطوح بالاتری از قطعیت و اطمینان می‌رسد (تانجا و گوپال^{۱۳}، ۲۰۲۰).

رمپل و هولمز (۱۹۸۵) بر اساس نظریه وابستگی متقابل مدلی از اعتماد دوطرفه را به وجود آوردند. بر اساس این مدل افراد نوعی گرایش درونی دارند که در رابطه اعتماد کنند یا نکنند، و این فعالیت‌ها در رابطه

هستند که سطوح اعتماد را تنظیم می‌کنند. به‌طور خاص رفتار و ادراکات همسران در «موقعیت‌های تشخیصی»^{۱۴} (زمانی که انتخاب‌های افراد می‌تواند برای رابطه مفید یا مضر باشد)، در تحول اعتماد مؤثر است. اعتماد در نتیجه رفتارهای طرفین رابطه در موقعیت‌های تشخیصی آشکار شده و توسعه می‌یابد. «موقعیت تشخیصی» موقعیتی است که در آن پاسخ‌های مستقیم و خودکار فرد با نیازهای شریکش در رابطه تناقض دارد. برای مثال، فرد می‌خواهد با دوستانش باشد اما هم‌زمان با آن از او انتظار می‌رود در تولد پدر مسن همسرش شرکت کند. نظریه‌های موجود معتقدند اعتماد در متن همین موقعیت‌های تشخیصی در رابطه «فراهم» می‌شود. بنابراین موقعیت‌های تشخیصی قابلیت اعتماد دو طرف رابطه را می‌آزماید. اگر فرد گذشت لازم برای چشم‌پوشی از علائق خود در رابطه با شریکش را نداشته باشد و به نیازهای او پاسخ ندهد، فرصت افزودن به میزان اعتماد را در رابطه از دست می‌دهد. یک ضرب‌المثل هلندی می‌گوید: «اعتماد خرامان خرامان می‌آید اما سوار بر اسب به تاخت می‌رود!» به این معنا که از بین بردن اعتماد در روابط بین‌فردی بسیار آسان‌تر از ساختن آن است (اشنایدر، کنیجن، رایتی و راسبالت^{۱۵}، ۲۰۱۱). با گذشت زمان، رفتار همسران در این موقعیت‌های تشخیصی، به همراه ادراکات یکدیگر از این رفتارها، میزان باور همسران به یکدیگر در دو زمینه قابل اتکا بودن و عقیده به ثبات رابطه در آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کمپل و استنتون، ۲۰۱۹).

مرور ادبیات داخلی درباره اعتماد نشان می‌دهد تمرکز اصلی هیچ کدام از این پژوهش‌ها روی مؤلفه اعتماد نبوده است بلکه بیشتر این مطالعات از نوع همبستگی هستند و اعتماد را در کنار سایر متغیرها و تنها با استفاده از پرسش‌نامه سنجیده‌اند. بنابراین در زمینه اعتماد در روابط همسران، شکافی به چشم می‌خورد و لزوم انجام مطالعات عمیق و دقیق در این زمینه با توجه به در نظر گرفتن فضا و تفاوت‌های فرهنگی موجود ضروری به نظر می‌رسد. کاهش تعهد اخلاقی زوجین و افزایش بی‌اعتمادی در خانواده که در جامعه امروز گسترش یافته است، پیامدهای مخربی در سطوح فردی و اجتماعی دربردارد. بنابراین شناسایی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در رضایت از رابطه به‌خصوص رضایت زناشویی که از جمله عوامل پیشگیری‌کننده طلاق محسوب می‌شود، می‌تواند تلویحات مناسبی را برای مداخلات پیشگیرانه و درمانی در حوزه آسیب‌شناسی روابط همسران فراهم سازد. پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی موقعیت‌های برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر در افراد متأهل به شناسایی این موقعیت‌ها و درک مفهوم و معنای اعتماد از نظر همسران بپردازد.

روش

تحلیل داده‌های این مطالعه با استفاده از روش «تحلیل درون‌مایه‌ای»^{۱۶} انجام شد. تحلیل درون‌مایه‌ای روشی برای تحلیل داده‌هایی متنی است که در آن اطلاعات متنوع و پراکنده به توصیفات مفصل و غنی تبدیل می‌شوند، بدین ترتیب که کلیه اطلاعات با روش کیفی به‌دقت تحلیل و تفسیر می‌شوند. یکی از ویژگی‌های روش تحلیل درون‌مایه‌ای در مقایسه با روش‌های کیفی دیگر انعطاف‌پذیری بالای آن است و می‌تواند برای بسیاری از انواع سؤالات پژوهشی و تحلیل انواع مختلفی از داده‌ها به کار برده شود، از جمله داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، گروه‌های متمرکز، زمینه‌یابی‌های کیفی، خاطرات، تکالیف تکمیل جملات و

منابع ثانویه تحلیل شامل مقاله‌های روزنامه‌ها و اسناد رسمی (کلارک، بروان و هایفیلد^{۱۷}، ۲۰۱۵). در این پژوهش از روش استقرایی برای به دست آوردن موقعیت‌های اعتماد و بی‌اعتمادی در روابط همسران استفاده می‌شود، به این معنی که محققان بدون آنکه استنادی به تئوری خاصی داشته باشند و بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده، تنها بر اساس داده‌ها به تحلیل می‌پردازند. از رویکرد شش مرحله‌ای کلارک و همکاران (۲۰۰۶) برای کدگذاری و استخراج درون‌مایه‌ها استفاده شد: ۱. آشنایی با مبانی نظری تحقیق و محتوای متن مکتوب؛ ۲. کدگذاری واحدهای معنایی؛ ۳. جست‌وجوی درون‌مایه‌ها؛ ۴. بازنگری درون‌مایه‌ها؛ ۵. نام‌گذاری درون‌مایه‌ها و ۶. نوشتن گزارش. تحلیل داده‌ها ابتدا با خواندن مکرر متن داده‌ها برای آشنایی و کسب بینش کلی انجام شد. این فرآیند به‌طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها ادامه یافت. سپس کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در داخل طبقات با مفاهیم مشترک قرار گرفتند. از جداول و نمودارها برای مرتب‌سازی کدها در قالب درون‌مایه‌ها استفاده شد. بازنگری درون‌مایه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها تحت نظارت دو فرد متخصص در حوزه خانواده و مسلط بر روش کیفی صورت گرفت. در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن داده‌ها نقل قول شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش زنان و مردان متأهل بود. اگرچه در این پژوهش موقعیت‌های اعتماد و بی‌اعتمادی در روابط همسران مورد مطالعه قرار گرفته است اما واحد تحلیل فرد می‌باشد: زنان و مردان متأهل. از این جامعه آماری ۱۶۳ فرد متأهل (۱۰۹ زن و ۵۴ مرد) با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. روش بدین ترتیب بود که پرسش‌نامه بر روی یک سایت اینترنتی قرار گرفت. با مراجعه به گروه‌های مختلف افراد در پیام‌رسان‌های مختلف در فضای مجازی و ارائه شرح مختصری از مطالعه، از افراد متأهل دعوت شد که به لینک گذاشته‌شده مراجعه کنند و پرسش‌نامه را تکمیل نمایند. ملاک‌های ورود اعضای نمونه، تأهل و داشتن سواد در حد تکمیل پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته به صورت آنلاین در اختیار افراد قرار گرفت، از میان افرادی که این پرسش‌نامه را تکمیل نمودند، ۸۶ درصد زنان و ۸۹ درصد مردان از استان تهران و بقیه از استان‌های دیگر بودند. میانگین مدت ازدواج در زنان و مردان شرکت‌کننده به ترتیب ۱۱/۹۵ و ۱۰/۹۷ سال بوده است.

ابزار

پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: این پرسش‌نامه یک ابزار محقق‌ساخته است و شامل سؤالات مربوط به جنسیت، سن، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی و استان محل سکونت می‌باشد. جهت سهولت پاسخ‌دهی افراد به این اطلاعات، برای هر کدام از آن‌ها گزینه‌ها و طیف‌هایی قرار داده شد تا افراد به جای تایپ کردن این اطلاعات از بین گزینه‌ها انتخاب نمایند.

پرسش‌نامه اعتماد به همسر (فرم بازپاسخ): این پرسش‌نامه نیز یک ابزار محقق‌ساخته است و شامل شش پرسش اصلی در زمینه اعتماد به همسر می‌باشد. از افراد خواسته می‌شود با توجه به تجربه شخصی

خود در زندگی زناشویی به سؤال‌ها به صورت تشریحی پاسخ دهند. سؤال اول به بررسی این موضوع می‌پردازد که «چه مواردی منجر به احساس بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به همسرشان شده است». در سؤال دوم به افراد گفته می‌شود: «حتی اگر در رابطه با همسر خود تاکنون چنین مواردی را تجربه نکرده‌اند، همسرشان با انجام چه رفتارهایی ممکن است منجر به بی‌اعتمادی در آن‌ها شود». سؤالات سوم و چهارم پرسش‌نامه مشابه سؤالات اول و دوم می‌باشد با این تفاوت که موضوع اعتماد به همسر را بررسی می‌کند. پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه به گونه‌ای طراحی شده بود که با توجه به احتمال عدم تجربه بی‌اعتمادی یا اعتماد به همسر، افراد می‌توانستند از بین سؤالات اول و دوم به یک پرسش و از بین سؤالات سوم و چهارم نیز فقط به یک پرسش پاسخ دهند. سؤال پنجم نظر افراد را در مورد «عوامل بی‌اعتمادی زوج‌های دیگر نسبت به هم» بررسی می‌کند و سؤال ششم مربوط به «عوامل جلب اعتماد در روابط زوج‌های دیگر» می‌باشد. برای پاسخ به هریک از این سؤالات قسمتی جداگانه در نظر گرفته شده بود و افراد می‌توانستند پاسخ‌های تشریحی خود را به میزان دلخواه تایپ کنند و محدودیتی در تعداد کلمات وجود نداشت.

بیان یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. از میان افرادی که این پرسش‌نامه را تکمیل نمودند، ۸۶ درصد زنان از استان تهران و ۱۴ درصد از استان‌های قزوین، خراسان رضوی، اصفهان، بوشهر، خوزستان، قم، گیلان، مرکزی و هرمزگان بودند و ۸۹ درصد مردان از استان تهران و ۱۱ درصد از استان‌های آذربایجان شرقی، البرز، خراسان جنوبی، سمنان، فارس و گیلان بودند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

مردان	زنان	مشخصات	
۳۷ / ۳۸	۳۴ / ۸۰	میانگین سن	سن
۲۲-۶۳	۲۱-۶۲	دامنه تغییرات سن	
۱۰ / ۹۷	۱۱ / ۹۵	میانگین مدت ازدواج	مدت ازدواج
از ۸ ماه تا ۳۸ سال	از ۷ ماه تا ۴۱ سال	دامنه تغییرات مدت ازدواج	
-	۱	زیر دیپلم	تحصیلات
۲	۱۱	دیپلم	
۳	۵	فوق دیپلم	
۲۱	۵۲	کارشناسی	
۲۰	۳۴	کارشناسی ارشد	
۸	۶	دکتری	

بر اساس روش پیشنهادی کلارک و همکاران (۲۰۱۵)، یافته‌های این پژوهش در قالب «درون‌مایه‌های سایبانی»^{۱۸}، «درون‌مایه‌ها»^{۱۹} و «درون‌مایه‌های فرعی»^{۲۰} طبقه‌بندی و در انتها نیز «نقشه درون‌مایه‌ای»^{۲۱} آن ترسیم شد. نتایج این پژوهش در قالب سه درون‌مایه سایبانی «ویژگی‌های فردی همسر، ویژگی‌های رابطه همسران و رابطه همسر با دنیای بیرون»، ۱۰ درون‌مایه «صداقت، عدم پنهان‌کاری، پایبندی اخلاقی، پایبندی مذهبی، مهارت‌های ارتباطی همسران، تفاهم اقتصادی، اعتماد متقابل، روابط با جنس مخالف، فضای مجازی

و رابطه با خانواده همسر» و ۱۵ درون‌مایه فرعی «مسئولیت‌پذیری، قناعت، علاقه، احترام متقابل، توجه، وقت‌گذرانی مشترک، مشورت، گفت‌وگو، حمایت و همراهی، مهارت‌های مذاکره و حل تعارض و رضایت جنسی، رابطه پیش از ازدواج، روابط روزمره با جنس مخالف، روابط در فضای مجازی و وفاداری به همسر» طبقه‌بندی شده است.

در سوالات جداگانه‌ای موقعیت‌های برانگیزاننده اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر از افراد پرسیده شد و داده‌های حاصل از آن نیز به صورت مجزا مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت مجموع این یافته‌ها در کنار هم و با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها به صورت یکپارچه درآمد. سپس برای هر کدام از مفاهیم اعتماد و بی‌اعتمادی نقشه‌های درون‌مایه‌ای مجزایی ترسیم شد اما نکته قابل توجه این بود که نقشه‌های شماتیک اعتماد و بی‌اعتمادی دقیقاً برعکس یکدیگر بودند. بنابراین نقشه درون‌مایه‌ای نهایی تبدیل به نقشه‌ای جامع شد که در آن هر درون‌مایه به عنوان طیفی در نظر گرفته شد که از نبود یک ویژگی تا معنای کامل آن ادامه دارد. به عنوان مثال درون‌مایه صداقت در اعتماد و عدم صداقت در بی‌اعتمادی.

۱. ویژگی‌های فردی همسر

۱-۱. **عدم صداقت - صداقت:** یکی از موارد پرتکرار که توسط بیشتر افراد ذکر شده بود، نبود صداقت در همسران بود. افراد در موقعیت‌های بی‌اعتمادی مواردی از قبیل روراست نبودن، گفتن دروغ‌های مکرر به همسر و دیگران، وجود تناقض در صحبت‌ها و تظاهر را به‌عنوان عوامل بی‌اعتمادی به همسر برشمرده بودند. «مشاهده دروغ‌گویی و پنهان‌کاری همسر با دیگر افراد، مرا به این فکر می‌اندازد که نکنه با من هم...» (مرد ۳۰ساله). در نقطه مقابل در زمینه اعتماد، افراد به مواردی چون روراست بودن، صداقت در رفتار و گفتار و نیز یکرنگی در موقعیت‌های مختلف در زندگی اشاره داشتند.

۱-۲. **پنهان‌کاری - عدم پنهان‌کاری:** افراد در ایجاد اعتماد و بی‌اعتمادی به طیفی از رفتارها که از شفافیت تا پنهان‌کاری ادامه داشت، اشاره کردند. این مفهوم نیز یکی از موارد پرتکرار بود که توسط بسیاری از افراد بیان شده بود و شامل رفتارهای مشکوک از جانب همسر می‌شد. پنهان‌کاری شامل مواردی همچون پنهان کردن تلفن همراه و محتویات آن از جمله برخی تصاویر، تماس‌ها و پیام‌های خصوصی، پاسخ ندادن به تماس‌های تلفنی و بدون پاسخ گذاشتن سؤال‌های همسر می‌شد. شکایت‌ها و نگرانی‌های زنان از عدم شفافیت و پنهان‌کاری‌های همسرانشان طیف وسیع‌تری از رفتارها را دربر می‌گرفت از جمله رفت‌وآمدهای خارج از منزل، در مسائل مالی، روابط با دوستان و تغییر رفتارهای همسر در مقایسه با گذشته. در زمینه اعتماد زنان و مردان به مواردی از قبیل عدم پنهان‌کاری در فضای مجازی و در مسائل مالی، حساسیت نداشتن به تلفن همراه، دسترسی همسران به رمزهای یکدیگر، اطلاع داشتن از رفت‌وآمدهای روزانه و اطلاع داشتن از دوستان همسر را بیان کرده بودند. «نداشتن مسئله پنهانی و اینکه نسبت به موبایل و وسایلی حساسیت خاصی نداشته و این نشون‌دهنده نداشتن چیزی برای پنهان‌کاری بوده و باعث افزایش حس اعتماد بین ما شده است» (زن ۵۵ ساله). همچنین نتایج نشان داد که افراد به‌طور خاص به ویژگی قابل پیش‌بینی بودن همسر تأکید داشته و آن را از عوامل افزایش‌دهنده اعتماد می‌دانستند.

۱-۳. **عدم پایبندی مذهبی - پایبندی مذهبی:** طیفی از باور و اعتقاد به خدا و پایبندی به مذهب تا عدم پایبندی مذهبی در میزان اعتماد به همسر مؤثر بود. عدم پایبندی مذهبی در افراد شامل مواردی همچون ایمان نداشتن به خدا، رعایت نکردن مسائل شرعی و وقت‌گذرانی با افراد بی‌دین بود. زنان و مردان در زمینه اعتماد به مواردی چون ایمان و اعتقاد قلبی به خدا، اعتماد به ایمان همسر و باور مشترک هر دو نفر به آموزه‌های دینی، اهمیت به انجام فرایض دینی (به ویژه نماز)، حجب و حیای فردی، تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) و هم‌سطح بودن از لحاظ اعتقادی و ارزش‌های دینی خانواده اشاره داشتند.

۱-۴. **عدم پایبندی اخلاقی - پایبندی اخلاقی:** پایبند نبودن به مسائل اخلاقی شامل مواردی مانند عدم رعایت اصول اخلاقی، عدم پایبندی همسر به پیمان‌های خود، عدم تعهد، عدم رعایت رازداری، بی‌انصافی، تحقیر کردن همسر در خلوت و در حضور دیگران، دورویی و ریاکاری، عدم گذشت، تکروی و خودرأیی می‌شد. افراد در زمینه اعتماد، به مواردی از قبیل پایبندی به موارد اخلاقی توسط هر دو نفر، رعایت انصاف، رازداری و امانت‌داری، امین بودن نسبت به مسائل زندگی، تواضع و اهمیت قائل شدن برای سایر انسان‌ها اشاره داشتند.

۲. ویژگی‌های رابطه همسران

۱-۲. **مهارت‌های ارتباطی همسران:** شامل ۹ مهارت ابراز علاقه، احترام متقابل، توجه، وقت‌گذرانی مشترک، مشورت، گفت‌وگو، حمایت و همراهی، مهارت‌های مذاکره و رضایت جنسی می‌باشد. یافته‌های نشان داد که افراد داشتن این مهارت‌ها را با فراوانی بالایی عاملی برای افزایش و بهبود اعتماد نسبت به همسر خود می‌دانستند و نداشتن و کمبود آن‌ها از عوامل بی‌اعتمادی محسوب می‌شد.

۱-۱-۲. **بی‌توجهی - توجه:** طیفی از توجه و اهمیت قائل شدن همسران برای یکدیگر تا بی‌توجهی آن‌ها در افزایش اعتماد و بی‌اعتمادی تأثیر داشت. بی‌توجهی شامل بی‌توجهی نسبت به همسر به صورت کلی، عدم توجه به نیازهای یکدیگر و بی‌تفاوت بودن نسبت به همسر و خانواده بود. مردان بیشتر بر در دسترس و پاسخگو نبودن همسر به هنگام نیاز و همچنین تندخویی و کم‌حوصلگی تأکید داشتند ولی زنان علاوه بر بی‌توجهی به‌طور کلی، به مواردی از قبیل بی‌اعتنایی به مشکلات شخصی همسر و بی‌توجهی نسبت به فرزندان هم اشاره داشتند. در زمینه اعتماد زنان و مردان به ارزش قائل شدن برای یکدیگر، توجه به علایق و نیازها، توجه به نکات مثبت، خوش‌خلقی و خوشرویی، اهمیت به نظرات یکدیگر، پیگیری وضعیت سلامتی و اهمیت به پیشرفت شخصی همسر اشاره داشتند. زنان بر خانواده‌دوست بودن و مسئولیت‌پذیری تأکید داشتند و این دو را از مصادیق توجه همسرشان به آن‌ها برمی‌شمردند.

۱-۲-۲. **عدم ابراز علاقه - ابراز علاقه و صمیمیت:** عدم ابراز علاقه در افراد شامل ابراز نکردن محبت و علاقه به همسر در شرایط مختلف، زنده نگه نداشتن عشق در زندگی، عدم درک طرف مقابل و نداشتن همدلی بود. عدم صمیمیت و فاصله گرفتن از هم از جمله مواردی بود که فقط زنان به آن اشاره داشتند. زنان و مردان در زمینه اعتماد به مواردی از قبیل ابراز علاقه، در نظر گرفتن احساسات یکدیگر، عشق‌ورزی در تمام دوران زندگی، روابط صمیمانه و عشق متقابل اشاره داشتند. علاوه بر این موارد زنان بر درک متقابل و همدلی، اطمینان از علاقه واقعی همسر و رابطه عاطفی با فرزندان نیز تأکید داشتند.

۲-۱-۳. **عدم احترام - احترام متقابل:** افراد به عدم رعایت احترام به‌عنوان یکی از عوامل به وجودآورنده بی‌اعتمادی و در نقطه مقابل در زمینه اعتماد به رعایت احترام متقابل اشاره داشتند. زنان علاوه بر احترام به‌صورت کلی، به مواردی از قبیل ترغیب فرزندان به احترام نسبت به پدر و مادر، احترام به نظرات و عقاید یکدیگر و احترام به عملکرد خود در نقش همسر یا مادر اشاره داشتند.

۲-۱-۴. **عدم گفت‌وگو - گفت‌وگو:** عدم گفت‌وگو در زنان و مردان شامل مواردی مثل کم صحبت کردن با هم در مورد همه مسائل، عدم مطلع کردن هم از وقایع روزمره و عدم احساس امنیت برای بازگو کردن برخی مسائل به همسر می‌شد. در زمینه اعتماد، افراد به صحبت کردن در مورد مسائل مختلف، بازگو کردن اتفاقات روزانه، محرم راز دانسته شدن توسط همسر و شنونده خوبی بودن اشاره داشتند.

۲-۱-۵. **عدم مشورت - مشورت:** عدم مشورت شامل موارد عدم مشورت در مورد مسائل مختلف بود. زنان به مواردی مانند در اولویت نبودن نظرشان برای همسر و در جریان قرار نگرفتن توسط وی به صورت متعدد اشاره داشتند. در زمینه اعتماد، به هم‌فکری و مشورت با یکدیگر در مورد تمام امور اعم از اتفاقات روزمره و تصمیمات مهم، در نظر گرفتن نظر همسر قبل از گرفتن تصمیمات و برنامه‌ریزی مشترک اشاره داشتند.

۲-۱-۶. **عدم همراهی و حمایت - حمایت و همراهی:** در موقعیت‌های بی‌اعتمادی مردان به مواردی همچون دوگانگی در برخوردها، ترجیح دادن نفع شخصی به نفع همسر، حمایت بیجا از افراد دیگر و خودخواهی اشاره کرده بودند. در زمینه اعتماد زنان و مردان مواردی از قبیل حمایت همه‌جانبه و همراهی در تمام مسائل، اطمینان به بودن در کنار هم به هنگام بروز مشکلات، صبر و تحمل، تکیه‌گاه بودن، در نظر گرفتن منافع هر دو، حمایت از هم در مقابل دیگران، مشارکت در امور منزل و رسیدگی به فرزندان را از عوامل افزایش‌دهنده اعتماد برشمرده بودند.

۲-۱-۷. **کم وقت گذاشتن - وقت‌گذرانی مشترک:** افراد به طیفی از رفتارها (که از کم وقت گذاشتن برای خانواده و عدم فعالیت‌های مشترک تا وقت‌گذرانی مشترک ادامه داشت) اشاره کردند. کم وقت گذاشتن برای همسر و خانواده موردی بود که در زنان وقت‌نگذاشتن برای همسر، ترجیح روابط غیرخانوادگی به روابط خانوادگی، داشتن چند شغل و صرف زمان‌های طولانی خارج از خانه را شامل می‌شد. همچنین زنان نگرانی‌هایی در مورد عدم فعالیت‌های مشترک داشتند که مواردی از قبیل حضور همسران به‌تنهایی در مراسمات و عدم مشارکت در امور زندگی را دربر می‌گرفت. مردان به مفهومی با عنوان زمان گذاشتن بیش از اندازه در فعالیت‌هایی که اولویت خودشان نبود، اشاره داشتند که شامل مواردی از قبیل اولویت دادن به مسائل شغلی و اجتماعی و فعالیت بیش از حد در محیط‌های خارج از خانه به عنوان فعالیت‌های فوق برنامه می‌شد. افراد در زمینه اعتماد، اختصاص زمانی برای تفریحات مشترک، ترجیح دادن گذراندن وقت با خانواده به جای دوستان، حضور در خانه بلافاصله پس از اتمام ساعت کار و علاقه‌مند بودن به حضور همسر در کنار آن‌ها در مکان‌های مختلف اشاره داشتند.

۲-۱-۸. **عدم حل تعارضات به شیوه سازنده - مهارت‌های مذاکره:** در موقعیت‌های بی‌اعتمادی زنان به مواردی از قبیل عدم وجود مهارت‌های مناسب جهت مدیریت و حل سوءتفاهم‌ها، عدم اعتماد به نحوه

حل مسائل به صورت مؤثر، غیر قابل پیش‌بینی بودن رفتار همسر به هنگام عصبانیت و بدرفتاری با همسر و فرزندان اشاره داشتند و مردان مواردی از قبیل تهدید و توهین در حین مجادله، عدم پایبندی به قول و قرارهای قبلی به هنگام عصبانیت، خشم و به کار بردن کلمات نامناسب، تأکید بر نقاط ضعف همسر، تلاش برای کم‌نیارودن در مقابل همسر، نگرش آمرانه و رفتار تلافی‌جویانه را از مصادیق رفتارهای کاهنده اعتماد به همسر می‌دانستند. شمای کلی در این درون‌مایه، داشتن موضع روبروی هم‌همسران به جای در کنار هم و «ما» بودن به هنگام وقوع تعارض در رابطه می‌باشد. «وقت‌هایی که نگرش از بالا به پایین و دستوری داشته با من، اعتمادم بهش کم شده» (مرد ۴۰ساله). مهارت‌های مذاکره و قدردانی و عذرخواهی از همسر در مواقع نیاز از جمله مواردی بود که فقط زنان در زمینه اعتماد به آن‌ها اشاره داشتند.

۹-۱-۲. عدم رضایت جنسی - رضایت جنسی: در بی‌اعتمادی افراد به مواردی از قبیل سرد بودن و بی‌تفاوتی همسر نسبت به روابط جنسی، عدم ارضای نیازها و خودارضایی اشاره داشتند. در زمینه اعتماد زنان و مردان داشتن روابط جنسی مناسب و باکیفیت را از مصادیق اعتماد نسبت به همسر می‌دانستند.

۲-۲. عدم تفاهم اقتصادی - تفاهم اقتصادی: در زمینه مسائل اقتصادی زنان و مردان مصادیق متفاوتی را به عنوان موقعیت‌های برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی در رابطه خود بیان کردند. در بی‌اعتمادی مردان به مواردی از قبیل به رخ کشیدن استقلال مالی، چشم و هم‌چشمی، مقایسه زندگی خود با دیگران و مقایسه کردن همسر با دیگران اشاره داشتند. شمای کلی انتظار زنان در این زمینه عدم پنهان‌کاری و وضوح مسائل مالی بین همسران و تأکید بر مسئولیت‌پذیری بود و شمای کلی انتظار مردان، قناعت و همراهی همسر و خانواده با آن‌ها بود.

۳-۲. عدم اعتماد متقابل - اعتماد متقابل: در بی‌اعتمادی افراد به مواردی از قبیل شکاک بودن و سوءظن به همسر، چک کردن مدام یکدیگر، حساسیت زیاد و محدود کردن همسران، قضاوت یکدیگر و سوءاستفاده از اعتماد اشاره داشتند. در زمینه اعتماد به مواردی از قبیل احترام به حریم شخصی، حریم خصوصی کوچک‌تر و حریم اشتراکی بزرگ‌تر، چک نکردن تلفن همراه و وسایل شخصی، شک نکردن بی‌مورد، عدم حساسیت زیاد و محدود کردن، گذاشتن حد و مرزهای کمتر برای هم، دخالت نکردن و آزاد گذاشتن همسر در اهداف شخصی، نشان دادن اعتماد به همسر و رعایت مواردی که همسر روی آن‌ها حساسیت دارد، اشاره کردند.

۳. رابطه همسر با دنیای بیرون

۱-۳. صرف زمان طولانی در فضای مجازی - مدیریت زمان استفاده از فضای مجازی: افراد دو طبقه کلی عدم مدیریت مناسب زمان در استفاده از این فضا و دیگری رابطه با جنس مخالف را مطرح کردند که توضیحات مربوط به طبقه دوم در قسمت بعد آمده است. استفاده نامناسب و صرف زمان طولانی شامل موارد فعالیت بیش از حد در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، حساسیت نسبت به محتوای تلفن همراه، بی‌خوابی‌های شبانه و مدام همراه داشتن تلفن همراه بود. زنان علاوه بر این مفاهیم به مواردی چون نگرانی در مورد شرایط اجتماعی نامناسب و شیوع روابط ناسالم در جامعه و خانواده‌ها، سهولت برقراری ارتباط با نامحرم در برنامه‌های متنوع تلفن همراه که فضای مکالمه و تماس دارند و تماشای برخی کلیپ‌های نامناسب را نیز

بیان کرده بودند. «زیاد توی فضای مجازی بودن، در روز امکان داره فقط دو ساعت همدیگه رو ببینیم اما وقتی وارد خونه می‌شه و پیش من هست مدام سرش تو گوشیه و از من غافل می‌شه و این بی توجهی‌ش باعث شک و بدبینی من می‌شه که چی توی گوشی‌ش هست که از من براش واجب‌تر هست؟» (زن ۲۷ ساله). در زمینه اعتماد زنان به رعایت حریم در فضای مجازی (که حاوی مواردی چون مدیریت زمان و محدودیت ایجاد کردن در استفاده از فضای مجازی و مراقبت از اطلاعات به اشتراک گذاشته‌شده بود) اشاره داشتند.

۳-۲. روابط با جنس مخالف: این درون‌مایه شامل چهار درون‌مایه فرعی روابط پیش از ازدواج، روابط روزمره، روابط اکنون (خیانت) و رابطه با جنس مخالف در فضای مجازی است.

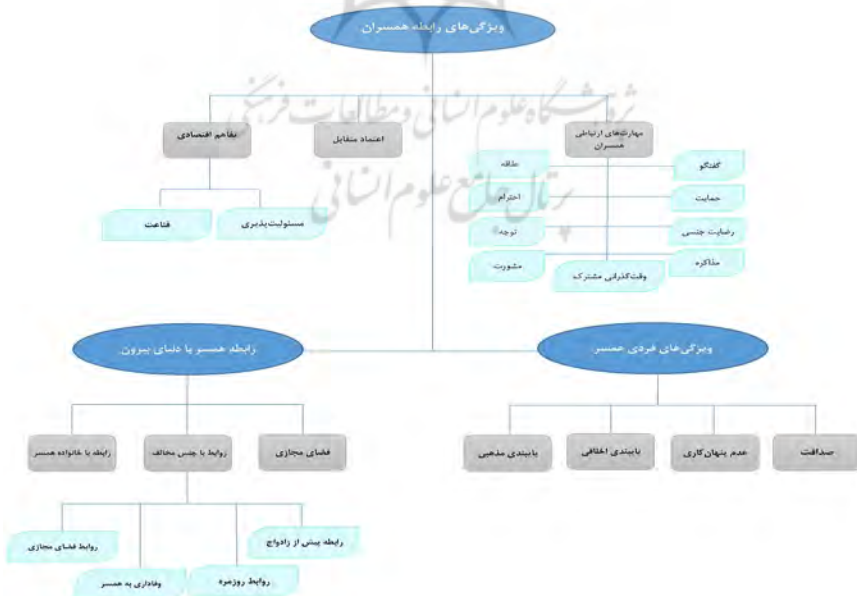
۳-۲-۱. روابط پیش از ازدواج - نداشتن روابط پیش از ازدواج: زنان و مردان داشتن روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف را از مصادیق کاهنده اعتماد به همسر و عدم تجربه این روابط را به‌عنوان عاملی برای افزایش اعتماد به همسر می‌دانستند. «من و همسرم تجربه رابطه پیش از ازدواج نداشته‌ایم. گمان می‌کنم این درباره هر دوی ما منتج به این شده است که تغییرات احساساتمان در تجارب پیشین رو به امروزمون فراقنی نکنیم.» (مرد ۳۳ساله).

۳-۲-۲. رابطه با جنس مخالف در روابط روزمره - رعایت حریم در ارتباط با جنس مخالف در روابط روزمره: رابطه با جنس مخالف یکی از موارد پرتکرار در نمونه زنان بود. آن‌ها مواردی از قبیل عدم رعایت حریم‌ها و حدود شرعی و عرفی روابط با جنس مخالف در محیط‌های مختلف، تفاوت فرهنگی و نرّم متفاوت رابطه با جنس مخالف، توجه بیش از حد به جنس مخالف، گرم گرفتن و روابط صمیمی با جنس مخالف و دست دادن و روبوسی با نامحرم را بیان کرده بودند. علاوه بر این، موضوع دیگری که زنان بر آن تأکید داشتند مقایسه شدن آن‌ها توسط همسرشان با زنان دیگر بود. مردان به مواردی همچون عدم رعایت حدود در روابط با جنس مخالف در مهمانی‌های خانوادگی، جمع‌های دوستانه و محیط کاری، تعامل غیر ضروری با جنس مخالف، تعریف کردن از ویژگی‌های فردی از جنس مخالف و بی‌بند و باری اشاره کرده بودند. در زمینه اعتماد و رعایت حریم در ارتباط با جنس مخالف زنان به جزئیات و موارد متعددی از قبیل رعایت حریم‌ها در ارتباط با جنس مخالف، رعایت چارچوب مسائل شرعی، نگاه پاک و عدم توجه به جنس مخالف و نبود گرمی در رابطه با جنس مخالف را برشمرده بودند. مردان به رعایت حریم‌ها در ارتباط با جنس مخالف در محیط‌های مختلف و جلوگیری از روابط غیرمتعارف با جنس مخالف اشاره کرده بودند.

۳-۲-۳. رابطه با جنس مخالف در فضای مجازی - رعایت حریم روابط با جنس مخالف در فضای مجازی: مردان در این زمینه به‌طور کلی به داشتن رابطه با نامحرم در فضای مجازی اشاره کرده بودند اما زنان علاوه بر بیان این رابطه به‌صورت کلی، مصادیقی از مشاهده ارتباط‌های همسرشان با زنان در برنامه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی و عدم تمایل وی برای مورد مشاهده قرار گرفتن آن پیام‌ها توسط همسر را نیز بیان کرده بودند. در زمینه اعتماد افراد به رعایت حریم و حدّ و حدود در روابط با جنس مخالف در موارد مختلف در فضای مجازی اشاره داشتند.

۳-۲-۴. **عدم وفاداری – وفاداری به همسر:** در عدم وفاداری به همسر افراد به تجربه خیانت همسر اشاره کردند. زنان علاوه بر خیانت مواردی از قبیل تنها گذاشتن همسر در مشکلات و بیماری‌ها، و صحبت از ازدواج مجدد را نیز بیان کردند و در زمینه اعتماد و وفاداری به همسر، زنان به نبود تجربه خیانت یا سوء استفاده از اعتماد در گذشته و صحبت کردن در مورد محال بودن ازدواج مجدد، و مردان به وفاداری همسر به صورت کلی اشاره کرده بودند. «بارها در گفتارشان مستقیماً و غیرمستقیماً از محال بودن ازدواج مجدد حتی در صورت فوت همسر صحبت کرده‌اند» (زن ۳۳ساله).

۳-۳. **مشکل در رابطه با خانواده همسر – رابطه مناسب با خانواده همسر:** در زمینه بی‌اعتمادی افراد به مواردی از جمله عدم رعایت رازداری در مورد اطلاعات زندگی مشترک و بازگویی آن به خانواده‌ها، وابستگی و اتکای همسر به خانواده خود و دخالت دادن آن‌ها اشاره داشتند. علاوه بر این زنان تأکیدی بر دفاع جانب‌دارانه همسر از خانواده خود و دفاع نکردن همسر از آن‌ها در برابر خانواده خود داشتند. در زمینه اعتماد، زنان و مردان به مواردی از قبیل مدیریت روابط با خانواده‌های دو طرف و تلاش برای ایجاد روابط مطلوب با آن‌ها، حفظ مرزها و اتخاذ مواضع صحیح در مقابل خانواده‌ها اشاره کردند. شمای کلی انتظار زنان در زمینه رابطه با خانواده همسر، نیاز به حمایت کردن همسرشان از آنان در مقابل خانواده همسر (شوهر)، حفظ احترام و جایگاه آنان در مقابل خانواده همسر، اولویت دادن به نظر همسر (زن) در تصمیم‌گیری‌ها به جای مشورت با اعضای خانواده و همچنین جلوگیری از دخالت‌های اطرافیان در زندگی آن‌ها بود. این در صورتی بود که مردان مواردی با مضمون توجه و رعایت احترام همسر (زن) نسبت به خانواده خود (مرد) و ارتباط نزدیک و صمیمی با آن‌ها را مهم می‌انگاشتند. «اگر به جای اجازه گرفتن از مادرش با من مشورت کنه و منو در جریان کارهاش بذاره اعتمادم بهش جلب می‌شه» (زن ۳۷ساله).



شکل ۱: نقشه درون‌مایه‌ای عوامل مؤثر در اعتماد و بی‌اعتمادی زنان و مردان

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی موقعیت‌های برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر در افراد متأهل انجام شد. قصد بر این بود تا با بررسی این موقعیت‌ها درک عمیق‌تری از مفهوم و معنای اعتماد از دیدگاه همسران به دست آید. نتایج پژوهش حاضر دربردارنده سه درون‌مایه غالب^۱، ویژگی‌های فردی،^۲ ویژگی‌های رابطه همسران و^۳ رابطه همسر با دنیای بیرون است که خود حاوی درون‌مایه‌های دیگری هستند. این درون‌مایه‌ها معرف خصوصیات و شرایطی هستند که از نظر افراد شرکت‌کننده در این پژوهش باعث خلق موقعیت‌هایی می‌شوند که اعتماد یا بی‌اعتمادی بیشتر نسبت به همسر را موجب می‌شوند. با توجه به ارزیابی‌های مستقلی که در مورد موقعیت‌های اعتماد و بی‌اعتمادی صورت گرفت و جمع‌بندی نهایی نتایج، هر کدام از این درون‌مایه‌ها به صورت طیفی هستند که یک سر آن به اعتماد و سر دیگر آن به بی‌اعتمادی مرتبط می‌شوند. به عبارتی وجود این ویژگی‌ها باعث تقویت اعتماد همسران و نبود آن‌ها، منجر به بی‌اعتمادی همسران می‌شود.

در زمینه نقش صداقت و عدم پنهان‌کاری در تقویت اعتماد بین همسران و نقش عدم صداقت و پنهان‌کاری در افزایش بی‌اعتمادی، مطالعاتی که به بررسی پنهان‌کاری درباره خود^{۲۲} در بافت روابط عاطفی پرداخته‌اند نشان داده‌اند که افرادی که متوجه پنهان‌کاری همسر خود می‌شوند، رضایت و بهزیستی زناشویی پایین‌تری دارند (فینکناور، کرخوف، رایتی و برنج^{۲۳}، ۲۰۰۹). پنهان‌کاری در مورد خود شامل فرایند فعال سرکوب کردن اطلاعات برای اجتناب از نشان دادن و فاش کردن آن‌ها می‌باشد (مارکس، هیل و کیولاین^{۲۴}، ۲۰۱۹). بین پنهان‌کاری و بی‌اعتمادی در رابطه یک چرخه متقابل وجود دارد. بدین ترتیب که افراد با مشاهده پنهان‌کاری همسرشان در رابطه، اعتمادشان به وی کاهش می‌یابد. این کاهش اعتماد به همسر، احتمال پنهان‌کاری آن‌ها در مورد خودشان را نیز در رابطه افزایش می‌دهد و به همین ترتیب این چرخه ادامه می‌یابد. در صورتی که این چرخه شکسته نشود ممکن است رابطه را به تدریج به سمت نابودی ببرد. یک راه ساده برای جلوگیری از پیشرفت این روند در رابطه، صادق و قابل اعتماد بودن فرد با وجود پنهان‌کاری‌های همسر است. اگر فرد در رابطه به صورت صادقانه عمل کند، این حالت ممکن است همسر پنهان‌کار وی را به قابل اعتماد بودن و پنهان‌کاری کمتر تشویق کند (یوسال، لین و باش^{۲۵}، ۲۰۱۲).

در توجیه نقش باورهای اعتقادی و پایبندی مذهبی افراد در اعتماد می‌توان چنین اظهار داشت که با توجه به تأثیر اعتقاد و عمل به این باورها در زمینه‌های مختلف زندگی، وجود این پایبندی در فرد به نوعی مسیر مشخصی را برای پیش‌بینی رفتارها و نوع عملکرد وی ایجاد می‌کند و به این ترتیب منجر به افزایش اعتماد همسر فرد می‌شود. این اعتماد به‌خصوص زمانی بیشتر می‌شود که هر دوی همسران به باورهای مذهبی مشترکی اعتقاد داشته باشند. مصلحی و احمدی^{۲۶} (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند همسران هر دو پایبند به مذهب نسبت به همسرانی که فقط یکی از آن‌ها پایبند به مذهب بود از رضایتمندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این مفهوم به‌نوعی با درون‌مایه‌های دیگر نیز در ارتباط باشد، از جمله درون‌مایه پایبندی اخلاقی و روابط افراد با جنس مخالف. به این خاطر که کیفیت و محدوده ارتباطات با جنس مخالف تا حد بسیار زیادی می‌تواند از نوع اعتقاد مذهبی فرد نشأت بگیرد. پایبندی اخلاقی در افراد نیز می‌تواند از بسیاری از سوءتفاهم‌هایی که ممکن است باعث کاهش اعتماد افراد به همسرشان شود

جلوگیری کند، به عنوان مثال می‌تواند به‌عنوان مانعی برای ورود افراد به روابط فرازناشویی نقش ایفا کند. این نتایج با پژوهش سیفی، حمیدی، شریفی و خلیفی^{۲۷} (۱۳۹۴) همسو است.

افراد در درون‌مایه‌های مختلفی به تفاوت‌های ارزش‌ها به عنوان یکی از شرایط برانگیزان بی‌اعتمادی اشاره داشتند. این تفاوت در ارزش‌ها، علاوه بر ارزش‌های همسر، ارزش‌های خانواده همسر را نیز در برمی‌گرفت. افراد این تفاوت‌ها را به‌طور خاص در درون‌مایه‌های پایبندی مذهبی و روابط با جنس مخالف بیان کردند. چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی^{۲۸} (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی اظهار داشتند که تفاوت ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین علل تعارض در رابطه با خانواده همسر می‌باشد. همان‌طور که شباهت‌ها و اشتراکات بیشتر بین همسران و مجانست باورهای ارزشی آن‌ها رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (لیتیزنگر و گوردون^{۲۹}، ۲۰۰۵) و لازمه صیانت از حریم زناشویی است (ذبیح‌زاده^{۳۰}، ۱۳۹۷)، تفاوت ارزش‌ها می‌تواند زمینه را برای افزایش بی‌اعتمادی همسران گسترده کند.

زنان و مردان با فراوانی بالایی به وجود ویژگی‌ها و مهارت‌هایی در رابطه خود با همسر به عنوان عاملی برای بهبود اعتماد اشاره کردند. آن‌ها نداشتن و کم‌رنگ بودن این مهارت‌ها را از عوامل بی‌اعتمادی می‌دانستند. این مهارت‌ها شامل ابراز علاقه، احترام، توجه، وقت‌گذرانی مشترک، مشورت، گفت‌وگو، حمایت، مهارت‌های حل تعارض و رضایت جنسی بود. پژوهش‌ها نیز بر نقش این مهارت‌ها در افزایش اعتماد و بهبود کیفیت ارتباطی همسران تأکید دارند (کجباف^{۳۱}، ۱۳۹۴؛ ایستین و باکوم^{۳۲}، ۲۰۰۲؛ آسوده و همکاران، ۲۰۱۰).

افراد سوء ظن به همسر، قضاوت و محدود کردن یکدیگر را از مصادیق عدم اعتماد متقابل می‌دانستند و در زمینه اعتماد مواردی از قبیل احترام به حریم شخصی، حریم خصوصی کوچک‌تر و حریم اشتراکی بزرگ‌تر را نشان‌دهنده وجود اعتماد متقابل می‌دانستند. این نتایج همسو با پژوهش ذبیح‌زاده (۱۳۹۷) است که حاکی از این بود که هرچه اعتماد بین زن و مرد بیشتر شود، گستره حریم زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد و هرچه بی‌اعتمادی بین آن‌ها بیشتر شود، حریم شخصی زن و مرد افزایش می‌یابد.

زنان و مردان تفاهم در مسائل اقتصادی خانواده را از مصادیق بهبود اعتماد بین خود و همسر می‌دانستند هر چند بر نکات متفاوتی در این زمینه تأکید داشتند، مردان بر قناعت و همراهی و زنان بر عدم پنهان‌کاری و وضوح مسائل مالی و مسئولیت‌پذیری. پژوهش‌ها نیز تفاهم در مسائل اقتصادی را از عوامل مؤثر در ازدواج موفق و تداوم آن ذکر کرده‌اند (امینی^{۳۳}، ۱۳۹۶؛ آسوده و همکاران، ۲۰۱۰).

در مورد فضای مجازی و پیامدهایی که برای اعتماد همسران نسبت به هم می‌تواند داشته باشد زنان و مردان اولاً عدم مدیریت زمان حضور در فضای مجازی و دیگر اینکه سهولت امکان برقراری ارتباط با جنس مخالف را بیان کرده و مصادیق متعددی در مورد هر کدام از این نگرانی‌ها عنوان کردند. این نتایج همسو با پژوهش ذبیح‌زاده (۱۳۹۷) می‌باشد که فضای فاقد نظارت و کنترل دنیای مجازی و عدم مدیریت زمانی را از جمله تهدیدهایی برای صیانت از حریم ارتباط زناشویی برشمرده بود.

افراد انواع مختلفی از روابط با جنس مخالف را به عنوان موقعیت‌های برانگیزان بی‌اعتمادی به همسر می‌دانستند. تعدد مثال‌ها و موقعیت‌هایی که به‌ویژه زنان در این زمینه مطرح کرده بودند، نشان از حساسیت بالای این موقعیت‌ها در برانگیختن بی‌اعتمادی آن‌ها دارد. افراد تجربه روابط پیش از ازدواج را عاملی برای

کاهش اعتماد به همسر و نداشتن این روابط را از عوامل تقویت‌کننده این اعتماد می‌دانستند. در توجیه این یافته می‌توان چنین اظهار داشت که تجارب ارتباطی قبلی فرد می‌تواند در تمایل کلی وی در مورد اعتماد یا بی‌اعتمادی نسبت به طرف مقابل در روابط جدید و به‌ویژه نسبت به همسر آینده در رابطه ازدواج، نقش مهمی ایفا کند (کمپل و همکاران، ۲۰۱۰، کمپل و استنتون، ۲۰۱۹). این یافته مؤید پژوهش‌هایی است که بیان کرده‌اند که در عرف و هنجار سنتی، مذهبی و فرهنگی ایران مسئله داشتن یا نداشتن این روابط برای افراد اهمیت دارد (ملک‌عسگر، مظاهری و صادقی^{۳۴}، ۱۳۹۶).

افراد تجربه خیانت همسر را از مصادیق بی‌اعتمادی می‌دانستند. این یافته همسو با پژوهش‌هایی است که یکی از پیامدهای خیانت را بی‌اعتمادی همسر می‌دانند (هلچاک، مکینز و جانسون^{۳۵}، ۲۰۱۰؛ کاتالینا^{۳۶}، ۲۰۱۷). همچنین به‌نوعی می‌تواند با پژوهش‌هایی همسو باشد که یکی از دلایل خیانت به همسر را اعتماد کم یا بی‌اعتمادی به وی بیان کرده‌اند (حبیبی و حاجی‌حیدری^{۳۷}، ۱۳۹۴؛ دهقانی، اصلانی، امان‌اللهی و رجبی، ۲۰۲۰).

افراد در زمینه بی‌اعتمادی به موارد مشترکی از جمله عدم رعایت رازداری، وابستگی همسر به خانواده خود و دخالت دادن خانواده خود اشاره داشتند و در زمینه اعتماد انتظاراتی چون احترام و حفظ جایگاه آنان در مقابل خانواده همسر داشتند که با نتایج پژوهش چراغی و همکاران (۱۳۹۳) همسو بود. در این پژوهش نیز همسران افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر، به شکل غیرمنطقی از خانواده خود طرفداری می‌کردند. همچنین مرزگذاری‌های صحیح و منقطع همسران با خانواده‌های اصلی از جمله انتظارات زنان و مردان در جهت بهبود اعتمادشان نسبت به یکدیگر بود (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی، ۲۰۱۸).

نتایج این پژوهش نشان داد که هر یک از موقعیت‌های مطرح‌شده در درون‌مایه‌های ویژگی‌های فردی همسر، ویژگی‌های رابطه همسران و رابطه با دنیای بیرون، می‌توانند در میزان اعتماد و بی‌اعتمادی افراد نقش بسزایی داشته باشند. از آنجایی که در این مطالعه هم عوامل تقویت‌کننده و هم عوامل بازدارنده اعتماد به‌طور جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفتند، تصویر جامعی از عوامل تحکیم‌کننده و تضعیف‌کننده اعتماد بین همسران با تجربه زندگی مشترک بین ۷ ماه تا ۴۱ سال، ارائه شد که می‌تواند مورد توجه درمانگران حوزه خانواده و زوج‌درمانی قرار گرفته و در طراحی مداخلات پیشگیرانه و ارتقای کیفیت رابطه همسران مؤثر واقع شود. با توجه به اینکه نمونه تحقیق حاضر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و با مشارکت بیش از ۸۰ درصدی زنان و مردان ساکن استان تهران انجام شد، تعمیم نتایج آن به سایر فرهنگ‌ها باید با احتیاط صورت گیرد و انجام این پژوهش در جوامع آماری دیگر و مقایسه اطلاعات می‌تواند به دستیابی به نتایج غنی‌تر کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------------------|------------------------|
| 1. Ratcliffe, Ruddell & Smith | 18. Overarching themes |
| 2. Campbell & Stanton | 19. Themes |
| 3. Campbell, Simpson, Boldry & Rubin | 20. Sub-themes |
| 4. Cohen & Todd | 21. Thematic mapping |
| | 22. self-concealment |

- | | |
|---|--|
| 5. Le | 23. Finkenauer, Kerkhof, Righetti & Branje |
| 6. Harris, Bedard, Moen & Álvarez-Pérez | 24. Marks, Hill & Kivlighan |
| 7. Weber, Weber & Carter | 25. Uysal, Lin, & Bush |
| 8. Miller & Rempel | 26. Moslehi & Ahmadi |
| 9. Rempel, Holmes & Zanna | 27. Seifi, Hamidi, Sharifi & Khalili |
| 10. predictability | 28. Cheraghi, Mazaheri, Mootabi & Sadeghi |
| 11. dependability | 29. Litzinger & Gordon |
| 12. faith | 30. Zabihzade |
| 13. Taneja & Goyal | 31. Kajbaf |
| 14. diagnostic situations | 32. Epstein & Baucom |
| 15. Schneider, Konijn, Righetti & Rusbult | 33. Amini |
| 16. Thematic analysis | 34. Malekasgar, Mazaheri & Sadeghi |
| 17. Clarke, Braun & Hayfield | 35. Halchuk, Makinen & Johnson |
| | 36. Catalina |
| | 37. Habibi & Hajiheydari |

منابع

- امینی، ی. (۱۳۹۶). بررسی شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیرشاغل و رابطه آن با اختلافات زناشویی زوجین در شهرستان شوشتر. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی*، ۱۱(۳۶)، ۱۷۰-۱۳۹.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. س. (۱۳۹۳). مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۴۰)، ۴۷۲-۴۵۱.
- حبیبی‌عسگرآباد، م. و حاجی‌حیدری، ز. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۴۲)، ۱۸۶-۱۶۵.
- ذبیح‌زاده، ع. (۱۳۹۷). مفهوم‌بندی فرهنگی حریم خصوصی در ارتباط درمانی بین روان‌درمانگر و درمان‌جو. رساله دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سیفی‌قوزلو، س. ج.، حمیدی، ا.، شریفی، گ. و خلیفی، ش. (۱۳۹۴). رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۱۶)، ۱۳۹-۱۱۵.
- مصلحی، ج. و احمدی، م. ر. (۱۳۹۲). نقش زندگی مذهبی در رضایتمندی زناشویی زوجین. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۲(۲)، ۹۴-۷۸.
- ملک‌عسگر، س.، صادقی، م. س. و مظاهری، م. ع. (۱۳۹۶). رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۸)، ۱۲۵-۱۰۱.
- کجباف، م. ب. (۱۳۹۴). نقش وفاداری همسران در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق*، ۸(۲۹)، ۱۶۲-۱۳۹.

Amini, Y. (2017). Investigate practices employed and unemployed women's decision-making within the family and marital disputes relationship with the city of Shushtar. *Journal of social sciences*. 11(36), 139-170 [in Persian].

Ashraf, N., Bohnet, I., & Piankov, N. (2003). Decomposing trust and trustworthiness. *Experimental Economics*, 9, 193-208.

- Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M. G. (2010). Factors of successful marriage: Accounts from self described happy couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042-2046.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Buchan, N., Croson, R. T. A., & Solnick, S. (2008). Trust and gender: An examination of behavior and beliefs in the Investment Game. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 68, 466-476.
- Campbell, L., & Stanton, S. C. (2019). Adult Attachment and Trust in Romantic Relationships. *Current opinion in psychology*.
- Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J. G., & Rubin, H. (2010). Trust, variability in relationship evaluations, and relationship processes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99(1), 14-31.
- Catalina, W. M. (2017). Emotion-focused couple's therapy, person-centered & experiential psychotherapies. *Journal of the World Association for Person-Centered and Experiential Psychotherapy and Counselling*, 16(3), 236-255.
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Motabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M. S. (2018). Beyond the Couple: A Qualitative Analysis of Successful In-law Relationships in Iran. *Family process*, 58(4), 936-953.
- Clarke, V., Braun, V., & Hayfield, N. (2015). Thematic Analysis. In Smith, J. A. (Ed.), *Qualitative psychology: A practical guide to research methods*. London: Sage.
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Sadeghi, M. S. (2015). The relationship with in-laws comparison in two groups of satisfied and dissatisfied people of that relationship. *Journal of Family Research*, 11(40), 451-474 [in Persian].
- Cohen, S. E., & Todd, P. M. (2017). Expected Utility in Romantic Relationships: Satisfaction as a Cue for Romantic Partnership Dissolution. 234-239.
- Cuddy, A. J. C., Fiske, S. T., & Glick, P. (2008). Warmth and competence as universal dimensions of social perception: The stereotype content model and the BIAS map. *Advances*
- Dehghani, M., Aslani, K., Amanollahi, A., & Rajabi, G. (2020). The Effectiveness of Attachment Injury Resolution Model (AIRM) on Increasing Trust among the Injured Women with Marital Infidelity: A Case Study Approach. *The American Journal of Family Therapy*, 1-15.
- Epstein, N. B., Baucom, D. H. (2002). *Enhanced Cognitive-Behavioral Therapy for Couples: A Contextual Approach*. Washington DC: American Psychological Association.
- Finkenauer, C., Kerkhof, P., Righetti, F., & Branje, S. (2009). Living together apart: Perceived concealment as a signal of exclusion in marital relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(10), 1410-1422.
- Habibi Askarabad, M., & Hajiheydari, z. (2015). A Qualitative study for investigating the reasons of sexual infidelity of couples who have asked for divorce in family court. *Journal of Family Research*, 11(42), 165-186 [in Persian].
- Halchuk, R. E., Makinen, J. A., & Johnson, S. M. (2010). Resolving attachment injuries in couples using emotionally focused therapy: A three-year follow-up. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 9(1), 31-47.
- Harris, V. W., Bedard, K., Moen, D., & Álvarez-Pérez, P. (2016). The Role of Friendship, Trust, and Love in Happy German Marriages. *Marriage & Family Review*, 52(3), 262-304.

- Haselhuhn, M. P., Kennedy, J. A., Kray, L. J., Van Zant, A. B., & Schweitzer, M. E. (2015). Gender differences in trust dynamics: Women trust more than men following a trust violation. *Journal of Experimental Social Psychology*, 56, 104-109.
- Holmes, J.G., & Rempel, J.K. (1989). Trust in close relationships. In C. Hendrick (Ed.), *Close relationships: Review of personality and social psychology*, 10, 187-220, Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Kajbaf, M. B. (2015). The role of spouses' loyalty in creating trust and its development strategies in family. *Journal of Research Quarterly in Islamic Ethics*. 8(29), 139-162 [in Persian].
- Le, B., Dove, N. L., Agnew, C. R., Korn, M. S., & Mutso, A. A. (2010). Predicting nonmarital romantic relationship dissolution: A meta, analytic synthesis. *Personal Relationships*, 17(3), 377-390.
- Litzinger, S. & Gordon, k. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 31, 409 – 424.
- Malekasgar, s., Mazaheri, M. A., & Sadeghi, M. S. (2015). Relations between different levels of premarital relationship and attitude of parents towards it with the level of couple's marital compatibility. *Journal of strategy for culture*. 10(38), 101-125 [in Persian].
- Marks, E. C., Hill, C. E., & Kivlighan Jr, D. M. (2019). Secrets in psychotherapy: For better or worse? *Journal of counseling psychology*, 66(1), 70.
- Moslehi, J., & Ahmadi, M. R. (2013). The role of religious life in spouses' marital satisfaction. *Journal of Psychology and Religion*. 6(2), 78-94 [in Persian].
- Miller, P. J., & Rempel, J. K. (2004). Trust and partner-enhancing attributions in close relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30(6), 695-705.
- Ratcliffe, M., Ruddell, M., & Smith, B. (2014). What is a “sense of foreshortened future?” A phenomenological study of trauma, trust, and time. *Frontiers in Psychology*, 5, 1-11.
- Rempel, J. K., Holmes, J. G., & Zanna, M. P. (1985). Trust in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49, 95–112.
- Schneider, I. K., Konijn, E. A., Righetti, F., & Rusbult, C. E. (2011). A healthy dose of trust: The relationship between interpersonal trust and health. *Personal relationships*, 18(4), 668-676.
- Seifi Ghozlu, S. J., Hamidi, O., Sharifi, G., & Khalili, Sh. (2015). Investigating of effectiveness of life skills training on marital satisfaction. *Journal of Family Counseling and psychotherapy*. 5(16), 115-139.
- Taneja, S., & Goyal, P. (2020). Impact of Physical Proximity in Romantic Relationships on Trust, Commitment and Relationship Satisfaction among Young Adults. *Indian Journal of Mental Health*, 7(1).
- Uysal, A., Lin, H. L., & Bush, A. L. (2012). The reciprocal cycle of self, concealment and trust in romantic relationships. *European Journal of Social Psychology*, 42(7), 844-851.
- Uysal, A., Lin, H. L., & Knee, C. R. (2010). The role of need satisfaction in self-concealment and well-being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 36(2), 187–199.
- Weber, L., Weber, L. R., & Carter, A. I. (2003). *The social construction of trust*. Springer Science & Business Media.
- Zabihzade, A. (2018). *Cultural conceptualization of privacy in therapeutic communication between psychotherapist and client*. Doctoral dissertation in Clinical Psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].